

"ایران‌وایر" به‌تازگی گزارش داخلی "علی ربیعی" مشاور اجتماعی آقای پزشک‌پژشکیان را منتشر کرده که در آن تصویری از وضعیت روحی و شرایط زندگی گروه‌های مختلف اجتماعی و نوع نگرش آن‌ها به نظام حکمرانی و آینده کشور را ارائه می‌دهد. بخشی از نظرخواهی به موضوع نوع نگاه جامعه آماری و داوری آن درباره نظام حکمرانی می‌پردازد. جامعه ایران دو تروما و بحران بزرگ را در ماه‌های گذشته زندگی کرده است: سرکوب بیرحمانه جنبش گسترده اعتراضی دی‌ماه 1404 و جنگ 40 روزه آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی. مسئولین حکومتی و یا نخبگان نزدیک به نظام سیاسی از ترمیم رابطه جامعه و حکومت در دوران جنگ سخن می‌گویند.

بخشی از داده‌های آقای ربیعی تا حدودی از نوع نگاه جامعه به نظام سیاسی حاکم بر ایران پرده برمی‌دارد:

میزان اعتماد به نهادهای حکمرانی و کارایی آن‌ها یکی از داده‌های اصلی این نظرسنجی است:

میزان اعتماد به دولت 25 درصد، به قوه قضایی 31 درصد، به مجلس 23 درصد و به صدا و سیما 29 درصد است؛

21 درصد معتقدند مسئولان توانایی "زیاد یا خیلی زیاد" برای حل مشکلات کشور دارند؛

24 درصد گفته‌اند که رئیس‌جمهور در میان آن‌ها محبوبیت "زیاد یا خیلی زیاد" دارد.

پاسخ مردم به پرسش مربوط به راحل مشکلات کشور شاخص مهم دیگری این نظرخواهی است: 53 درصد جامعه آماری خواهان اصلاحات اساسی، 20 درصد خواهان تغییر نظام و 13 درصد خواهان اصلاحات محدود و فقط 9 درصد خواهان حفظ وضعیت موجوداند. پاسخ به پرسش دیگری درباره کلیت نظام جمهوری اسلامی (59 درصد قابل قبول) در همین رابطه باید درک شود.

موضوع هویتی بخش مهم دیگر رابطه با نظام دینی است. در پاسخ به پرسش "خود را چگونه معرفی می‌کنید؟ 37 درصد گزینه "ایرانی" را انتخاب کردند، 34 درصد ایرانی-مسلمان، 12.5 درصد هویت اثنیکی، 12.5 درصد خود را شهروند جهانی می‌دانند و 4.5 درصد هم مسلمان. محل سکونت، سن و تحصیلات متغیرهای معنادار هستند. برای مثال گزینه هویت ایرانی در تهران شامل نیمی از جامعه آماری می‌شود و یا افراد جوان بیشتر این گزینه را انتخاب می‌کنند.

پاسخ‌ها درباره رابطه با مذهب هم در دوران نظام قابل تامل است: 30 درصد مردم گفته‌اند تمام روزهای ماه رمضان را روزه گرفته‌اند (79 درصد در سال 1354 و 42 درصد در سال 1402) و 52 درصد هیچ روزه‌ای نگرفته‌اند.

داده‌های نظرخواهی حکایت از وجود بی‌اعتمادی و شکاف فرهنگی میان نظام حکمرانی و بخش‌های بزرگی از جامعه می‌کنند. زمانی که نزدیک سه‌چهارم جامعه آماری خواهان اصلاحات اساسی و یا تغییر نظام سیاسی شوند می‌توان گفت ساختار و کارکرد نظام سیاسی مشروعیت و اعتبار خود را نزد اکثریت جامعه از دست داده است و حکومت نماینده یک اقلیت در جامعه است.

رابطه جامعه با نظام حکمرانی یکی از مهم‌ترین چالش‌های دنیای مدرن است. این پرسش از قرن 16 میلادی تا کنون یکی از محورهای اصلی فلسفه سیاسی بوده است. کار قرارداد اجتماعی هم تعریف این رابطه و پاسخ به مسئله اساسی مشروعیت سیاسی حکومت‌هاست. اگر قرار است جامعه نظام حکمرانی را نماینده خود بداند چه پیمانی باید میان این دو وجود داشته باشد؟ حکومت چگونه در برابر جامعه پاسخگوست و جامعه از چه حقوق و تضمینی برای نظارت و کنترل نهادهای قدرت برخوردار است؟ در ایران رابطه میان جامعه و نظام حکمرانی از ابتدای تاسیس جمهوری اسلامی به یک چالش پرتنش تبدیل شده است و بسیاری از بحران‌های دهه اخیر و ناممکن شدن صلح اجتماعی پی‌آمد مستقیم رابطه آسیب‌شناسانه میان جامعه و حکومت است.

نوع برخورد آقای ربیعی با نتایج نظرخواهی و توصیه‌های تقابلی ایشان برای ترمیم این رابطه این پرسش اساسی را به میان می‌کشد که اصلاح‌طلبان شریک حکومت چه درکی از اصلاح ساختارهای قدرت و یا بحران مشروعیت نظام سیاسی دارند؟ سی سال تجربه اصلاح‌طلبی حکومتی چه دستاوردهایی داشته و چرا هنوز اکثریت بزرگی از جامعه خواهان اصلاحات اساسی است؟ نتایج نظرخواهی فراخوانی به نیروهای سیاسی و نخبگان غیرحکومتی است برای بازاندیشی درباره پروژه‌ای که بتواند مورد اقبال جمعی قرار گیرد و امید به تغییرات در جامعه نوید و سرخورده را زنده کند.

گره اصلی کار در ساختار قدرت است که به بن‌بست سیاسی کنونی انجامیده است. آن‌چه ایران را نسبت به نظام‌های متعارف دوران ما متفاوت می‌سازد دخالت دین در سیاست، چنین آسیب‌شناسانه نهادهای قدرت و خودسری نظام حکمرانی مبتنی بر تبعیض سیاسی و نفی حقوق شهروندی است. ناکارایی و فساد سیستمی از جمله نتیجه نبودن استقلال قوا و نهادهای میانجی میان جامعه و حکومت، انتخابات غیررقابتی، چرخه معیوب گردش نخبگان و تبعیض‌های گوناگون است.

کانال شخصی سعید پیوندی <https://t.me/paivandisaeed>

لینک مصاحبه با آیدا فجر از ایران‌وایر

https://www.youtube.com/watch?v=dLWYb4_gEuc